ای عاشقان حقيقت و خادمان عالم انسانی چون از گلشن افکار…

حضرت عبدالبهاء

Original English



## ٢٠٢

ای عاشقان حقيقت و خادمان عالم انسانی چون از گلشن افکار و نوايای شما بوی خوشی بمشام ميرسد لهذا سائق وجدانی مرا بر نگارش اين نامه مجبور مينمايد.

ملاحظه مينمائيد که جهان چگونه بيکديگر درافتاده و اقاليمی چند بخون انسان رنگين گشته بلکه خاک بخون مخمّر گرديده نائره حرب چنان شعله ئی زد که نه در قرون اولی و نه در قرون وسطی و نه در قرون اخيره چنين جنگ مهيبی واقع گشته سرها چون دانه شده و حرب چون آسياب بلکه اشدّ از آن اقاليم آباد ويران شد و شهرها زير و زبر گشت و قرای معموره مطموره شد پدران بی‌پسر گشتند پسران بی‌پدر شدند مادرها بر ماتم نورسيدگان خون گريستند اطفال يتيم شدند نسآء بيسر و سامان شدند عالم انسانی در جميع مراتب تدنّی نمود فرياد و فغانست که از يتيمان بلند است ناله و حنين است که از مادران باوج اعلی ميرسد.

جميع اين وقايع منشأش تعصّب جنسی است و تعصّب وطنی و تعصّب دينی و تعصّب سياسی است و منشاء اين تعصّبات تقاليد قديمه است تقاليد دينی است و تقاليد جنسی است و تقاليد وطنی است و تقاليد سياسی است تا اين تقاليد باقی بنياد انسانی بر باد است و عالم بشری در خطر عظيم.

حال در چنين عصر نورانی که حقايق جلوه نموده و اسرار کائنات مکشوف گرديده صبح حقيقت دميده جهان روشن شده آيا جائز است که چنين حرب مهيبی واقع گردد که عالم انسان را بخسران مبين اندازد لا واللّه.

حضرت مسيح بشر را بصلح و سلام خواند و بحضرت پطرس فرمود شمشير را در غلاف کن اين بود وصيّت و نصيحت حضرت مسيح ولکن جميع مسيحيان حال سلّ سيوف نموده‌اند چه مناسبتی حال ميان اين اعمال با آن نصّ صريح انجيل.

باری حضرت بهآءاللّه شصت سال پيش مانند آفتاب از افق ايران طلوع نمود و اعلان فرمود که افق عالم تاريک است و اين تاريکی نتائج وخيمه بخشد و حروبات شديده وقوع يابد در زندان عکّا بامپراطور آلمان صريحاً خطاب ميفرمايند که حرب شديد واقع خواهد شد و برلين ناله و حنين خواهد نمود و همچنين بپادشاه ترک در حالتيکه مظلوم بود و اسير زندان او يعنی مسجون در قلعه عکّا بود صراحةً مرقوم فرمود که اسلامبول بانقلابی عظيم گرفتار خواهد گشت بدرجه ئی که اطفال و نساء بفرياد و فغان خواهند افتاد خلاصه بجميع پادشاهان و رؤسای جمهور مرقوم فرمود و عيناً واقع گشت.

و تعاليمی بجهت منع حرب از قلم اعلی صادر شد و در جميع آفاق منتشر گشت.

اوّل تحرّی حقيقت زيرا تقاليد انسانرا بليد مينمايد و چون تحرّی حقيقت گردد عالم انسانی از ظلمات تقاليد رهائی يابد.

و تعليم ثانی وحدت عالم انسانی جميع خلق اغنام الهی و خدا شبان مهربان بجميع اغنام رأفت کبری دارد بهيچوجه امتيازی نگذاشته است لا تری فی خلق الرّحمن من تفاوت کلٌّ عبادٌ له و کلٌّ من فضله يسئلون

تعليم ثالث اينکه دين حصن حصين است ولی بايد سبب الفت باشد نه سبب عداوت و بغضا و اگر سبب عداوت و بغضا باشد لزوميّتی ندارد چه که دين بمنزله علاج است اگرعلاج سبب مرض شود ترک علاج احسن است و همچنين تعصّب دينی تعصّب جنسی تعصّب وطنی تعصّب سياسی جميع اين تعصّبها هادم بنيان انسانيست و جميع اين تعصّبها سبب خونريزی است و ويرانی عالم انسانی لهذا تا اين تعصّبها باقی حرب مهيب مستمرّ.

علاج اين صلح عموميست و صلح عمومی بايد محکمه کبری از قبل جميع دول و ملل تشکيل شود و مسائل مللی و دولی بآن محکمه راجع آنچه آن محکمهء کبری حکم نمايد مجری و اگر دولتی يا ملّتی تخلّف نمايد عالم انسانی بر آن دولت و ملّت قيام نمايد.

و از جمله مساوات ميان زن و مرد در جميع حقوق و امثال ذلک بسيار حال واضح و مشهود شد که اين تعاليم حيات عالم انسانيست و روح حقيقی.

حال شما چون خدّام عالم انسانی هستيد بايد بجان و دل بکوشيد تا عالم انسانی از اين تاريکی عالم بشری و تعصّبات طبيعی نجات يابد و بروشنائی عالم الهی فائز شود .

الحمدللّه بجميع قوانين و شرايع و مبادی مطّلع هستيد اليوم جز باين تعاليم عالم انسانی راحت و آسايش نيابد و اين ظلمات منکشف نگردد و اين امراض مزمنه شفا نيابد بلکه روز بروز سخت‌تر شود و بدتر گردد بالکان آرام نگيرد از اوّل بدتر شود دول مقهوره آرام نگيرند بهر وسيله تشبّث نمايند که آتش جنگ دو باره شعله زند حرکتهای تازه عمومی تمام قوّت را در تنفيذ مقاصد خويش مجری خواهد نمود حرکت شماليّه خيلی اهميّت خواهد يافت و سرايت خواهد کرد.

پس شما با قلبی نورانی و روحی رحمانی و قوّتی ملکوتی و تأييدی آسمانی بکوشيد که عالم انسانی را موهبتی ربّانی گرديد و سبب راحت و آسايش از برای بشر گرديد \*